

مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۹
(از ص ۱۸۷ تا ص ۲۰۲)



[10.22059/jarcs.201903-142690](https://doi.org/10.22059/jarcs.201903-142690)

Print ISSN: 2676-4288- Online ISSN: 2251-9297

<https://jarcs.ut.ac.ir>

A Reflection on the Indo-Parthian Political History Based on Numismatic Resources

Thahere Azizipoor

Assistant Professor, Department of Archaeology, Islamic Azad University, Marvdasht Branch

Received: 02 March, 2019; Accepted: 21 September, 2020

Abstract

Archaeologically, and historically Indo Parthian kingdoms is not a well-known for us they have not has been mentioned in mythological history and in the historical resources of early Islamic period. They dominated the territory that Indo - Greeks and then Indo –Scythians were ruled there. Some scholars have not separated the Parthian and Scythian kings from India, and have not made any clear distinctions between kings of the two governments. Most of our knowledge of this government is based on the numismatic studies. The purpose of this paper is to analyses of the history of Indo-Parthian kingdom and their political relation to with Iranian Parthian Empire. The research method of the present study is descriptive-analytical method and an attempt has been made to pay attention to the ambiguities and complexities of the Parthian rule of India by relying on numismatic sources and reviewing historical researches and researches. The results of the study showed that the Parthians of India were politically independent from the Parthians of Iran, and although there appeared to be no hostile relations between the two governments; However, the Parthian rulers of Iran saw the Parthians of India as an intruder in their territory. Also in the sequence of Parthian kings of India according to numismatic documents, the following order can be considered: Gondophares (simultaneously with Orthagnes, and Guda), Abdagases, Pacores, Sanabares I, II and III and other kings named Parhas and Semara that are known of their names on the coins.

Keywords: *History, Iran, Parthian, Indo –Parthian, Coine. India*

تأملی بر تاریخ سیاسی اشکانیان هند بر اساس منابع سکه‌شناسی

طاهره عزیزی پور*

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱

چکیده

حکومت اشکانیان هند حکومت چندان شناخته شده‌ای نیست. از این دولت در تاریخ اساطیری و در کتب تاریخی صدر اسلام نامی برده نشده است. آنان بر قلمرویی که پیش از آنها هند و یونانی‌ها و سپس هند و سکایی‌ها حکومت می‌کردند، غلبه یافتند. بیشتر دانش ما درباره این حکومت بر پایه مطالعات سکه‌شناسی استوار است. هدف از نگارش این مقاله مطالعه تحلیلی تاریخ حکومت اشکانیان هند و ارتباط سیاسی این حکومت با حکومت اشکانیان ایران است. روش پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است و تلاش شده تا با تکیه بر منابع سکه‌شناسی و بررسی تحقیقات و پژوهش‌های تاریخی، ابهامات و پیچیدگی‌های حکومت اشکانیان هند مورد توجه قرار گیرد. نتایج مطالعه نشان داد که اشکانیان هند از نظر سیاسی از اشکانیان ایران مستقل بوده و اگر چه در ظاهر روابط خصمانه‌ای بین دو حکومت مزبور وجود نداشته است؛ با این حال حاکمان اشکانی ایران، اشکانیان هند را به مثابه مزاحمی در قلمرو خویش می‌دیده‌اند. همچنین در توالی شاهان اشکانی هند با توجه به مدارک سکه‌شناسی می‌توان ترتیب زیر را در نظر گرفت: گوندوفر (همزمان با اورتاگون و گودا)، ابدآگاسس، پاکور، سنبارس اول، دوم و سوم، شاهان دیگری به نام پارهاس و سمارا که فقط نامی از آنها بر سکه‌ها موجود است.

واژه‌های کلیدی: تاریخ، ایران، اشکانیان، اشکانیان هند، سکه.

۱. مقدمه

اشکانیان حکومت خود را به صورت ملوک‌الطوایفی اداره می‌کردند. امپراطوری آنها شامل اتحادیه‌ای از شهرهای خودگردان و پادشاهی‌های مستقل و نیمه مستقل بود. تارن (*Taren*) تعداد ساتراپی‌های دوره پارتی را هفتاد و دو ساتراپی می‌داند (لوکرنین، ۱۳۸۷: ۱۲۵). هنگامی که اوضاع سیاسی ثابت و آرام بود این پادشاهی‌های مستقل و نیمه مستقل کاملاً تحت نفوذ و حمایت دولت مرکزی پارت بودند؛ اما هرگاه اوضاع سیاسی نابسامان می‌شد، جهت‌گیری‌های سیاسی و در برخی موارد گرایش‌های جدایی‌خواهانه در بین این پادشاهی‌ها پدید می‌آمد (فرای، ۱۳۸۳: ۳۰۷).

یکی از پادشاهی‌های وابسته به حکومت اشکانی، حکومتی است که در بخش‌های شرقی قلمرو اشکانی استقرار یافته بود. این حکومت که با نام حکومت اشکانی هند شناخته می‌شود به گسترش مرزهای خود در نواحی شمال‌غرب هند پرداخت و مناطقی را به تصرف درآورد که هخامنشیان هرگز موفق به فتح آن نواحی نشده بودند.^۱ اشکانیان هند بر قلمرویی که پیش از آنها هند و یونانی‌ها و سپس هند و سکایی‌ها^۲ حکومت می‌کردند، غلبه یافتند (Gardner, 1886: 109). هند و یونانی‌ها ساتراپی وابسته به دربار اشکانی نبودند؛ اما حکومت هند و سکایی اگر چه ظاهراً تابع سلطنت پارت‌ها بود؛ ولی تا حد زیادی به صورت مستقل اداره می‌شد (Senior, 2006: 32). در نهایت حکومت مزبور با تأسیس حکومت اشکانیان هند سرنگون شد (Jenkins, 1995: 2). به علت قلت مدارک تاریخی و باستان‌شناسی درباره چگونگی فرایند این تأسیس بسیار کم می‌دانیم. به طور کلی اسناد و مدارک درباره نواحی شرق کشور پارت بسیار کمیاب است؛ زیرا وقایع تاریخی در آن نواحی به واسطه بعد مسافت کمتر مورد توجه مورخین قرار گرفته است؛ در مواردی نیز مورخان به شنیده‌هایشان درباره نواحی مزبور با شک نگریسته‌اند (استرابو، ۱۳۸۲: ۲۵۹).^۳ افزون بر آن کاوش‌های باستان‌شناسی در شرق ایران چندان انجام نشده (دوبواز، ۱۳۴۲: ۳۸) و البته در این کاوش‌ها حکومت اشکانیان هند چندان مورد توجه قرار نگرفته است. پژوهشگران هندی نیز در سال‌های اخیر به حکومت اشکانیان هند به چشم حکومتی بیگانه نگریسته و چندان تمایلی به مطالعه و بررسی آن نداشته‌اند.^۴ با این حال از آنجا که پایه‌گذاران حکومت اشکانی هند تباری ایرانی داشته و از خاندان اشکانیان ایران بوده‌اند، شناخت این حکومت و جایگاه آن در تاریخ سیاسی اشکانیان ضرورتی انکار ناپذیر است. علی‌رغم وجود چنین ضرورتی - به‌گواهی محققین - هنوز دشواری‌های علمی فراوانی در مطالعه تاریخ حکومت اشکانیان هند وجود دارد (بیوار، ۱۳۸۳: ۳۱۴). دانش ما درباره این حکومت بر پایه مطالعه سکه‌های آنها (Bertram, 1922: 8, 9)، برخی روایات رومی، تاریخ‌های یونانی و هندی، ادبیات مسیحی (Rapson, 1922: 563, 592) و سانسکریت (مؤلف ناشناخته، ۱۳۶۷: ۲۲) و نیز کتیبه کهروشتی (*kharoshti*) است که در تخت باهی (*Takht-i-Bahi*)^۵ به دست آمده (تصویر ۱) و اکنون در موزه لاهور نگهداری می‌شود (Senior, 1991: 2). متأسفانه از این حکومت در کتب تاریخی صدر اسلام نامی برده نشده است^۶ (بیرونی، ۱۳۹۲: ۱۴۶-۱۳۸، مؤلف ناشناخته، ۱۳۸۱: ۵۱). همچنین در برخی پژوهش‌های امروزی نیز اگر چه به تسخیر برخی از نواحی هندوستان به وسیله شاهان اشکانی اشاره شده؛ اما از اشکانیان هند سخنی به میان نیامده است (آذری اعلا، ۱۳۵۰: ۱-۲۶).



تصویر ۱- کتیبه کهروشتی تخت باهی (ویکی پدیا)

گذشته از کاستی‌های ذکر شده حکومت اشکانیان هند در سال‌های اخیر مورد توجه برخی پژوهشگران قرار گرفته است. برخی از این پژوهشگران شاهان اشکانی و سکایی هند را از یکدیگر جدا نکرده و در بین پادشاهان دو حکومت مزبور حد و مرز مطالعاتی مشخصی قرار نداده‌اند (دوبواز، ۱۳۴۲: ۴۶-۴۹، محمدی، ۱۳۹۵، ۱۰۳-۱۲۴، زرین‌کوب، ۱۳۷۶: ۱۶۵، دیاکونوف، ۱۳۷۸: ۷۵). اما برخی دیگر دو حکومت اشکانی و سکایی هند را دو حکومت جدا از یکدیگر می‌دانند. در بین گروه اخیر توالی شاهان اشکانی هند (بیوار، ۱۳۸۳: ۲۹۲)، ارائه کلیاتی درباره این حکومت (خادمی‌ندوشن، عزیزپور، ۱۳۹۱: ۶۸-۵۹)، مطالعه مرزهای سیاسی (Mc Dowell, 1939: 781-801) و یا مطالعه سکه‌های شاهان اشکانی هند موضوع پژوهش بوده است (Thomas, 1870: 503-521).

علی‌رغم تمامی پژوهش‌های انجام شده هنوز ابهامات و پیچیدگی‌های فراوانی درباره شکل‌گیری، سقوط و توالی شاهان اشکانی هند وجود دارد. این پژوهش با هدف روشن کردن این ابهامات انجام شده و بر آن است تا به مطالعه تحلیلی تاریخ حکومت اشکانیان هند بپردازد. در این راستا دو پرسش اصلی پیش روی ماست:

۱. حکومت اشکانیان هند از نظر سیاسی وابسته به حکومت اشکانیان ایران بوده یا به صورت مستقل اداره می‌شده است؟

۲. با توجه به نظرات متعددی که در توالی شاهان اشکانی هند وجود دارد، با تکیه بر مدارک سکه‌شناسی، پذیرش کدام توالی در تاریخ شاهان اشکانی هند منطقی‌تر است؟

با توجه به ماهیت موضوع، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. از آنجا که سکه‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین منبع مطالعاتی در ارتباط با حکومت اشکانیان هند هستند، تلاش شده تا با تکیه بر منابع سکه‌شناسی و تحقیق و تفحص در پژوهش‌های تاریخی ابهامات و پیچیدگی‌های حکومت اشکانیان هند مورد توجه قرار گیرد.

مباحثی چون جغرافیای سیاسی، خاستگاه و تبار اشکانیان هند، تاریخ سیاسی و سقوط حکومت اشکانیان هند مباحثی هستند که در راه رسیدن به هدف پژوهش مورد توجه قرار می‌گیرند.

۲. تاریخ سیاسی شاهان اشکانی هند

برای مطالعه تاریخ سیاسی شاهان اشکانی هند و روابط آنها با شاهان اشکانی ایران سکه‌ها هنوز هم بهترین گزینه هستند؛ سکه‌های شاهان اشکانی ایران به ندرت در نواحی شمال غرب هند یافت شده است. همچنین برخی شاهان اشکانی هند همچون گوندوفر، اورتاگون و پاکور بر سکه‌هایشان از لقب شاهنشاه استفاده کرده‌اند؛ فرای با استناد به سکه‌های مذکور معتقد است که حکومت اشکانی هند مستقل از حکومت اشکانی ایران بوده است؛ علی‌رغم آنچه ذکر شد سکه‌های شاهان اشکانی هند با سکه‌های شاهان اشکانی ایران شباهت دارد (Thomas, 1870: 503-521) شاهان اشکانی هند سکه‌های شاهان اشکانی ایران را - که دربردارنده نیم تنه پادشاه اشکانی است- سورشارژ کرده؛ اما خدشه‌ای به چهره شاه اشکانی وارد نکرده‌اند (Gardner, 1886: 109).

۲-۱. جغرافیای سیاسی

محدوده جغرافیای سیاسی حکومت اشکانیان هند از زمان تأسیس تا زمانی که این حکومت به‌طور کامل به‌وسیله اردشیر ساسانی منقرض شد با تغییرات بسیاری همراه بوده است. اشکانیان هند اگر چه توانسته بودند سرزمین‌های قبلی هند و سکایی‌ها را تسخیر کنند؛ اما در مواردی بازمانده‌های حکومت سکاها هند به قلمرو حکومت اشکانیان هند حمله می‌کردند و موقتاً برخی نواحی را از اشکانیان هند بازپس می‌گرفتند (گوتشمید، ۱۳۷۹: ۲۰۵). قلمرو سیاسی آنها در روزگار اوج قدرتشان شامل سیستان، بخش‌هایی از افغانستان و پاکستان و بخش‌های شمال غرب هند بوده است (نقشه ۱). این قلمرو وسیع را استانداران تحت فرمان آنها - که غالباً از اعضای خانواده سلطنتی بودند- اداره می‌کردند (خادمی ندوشن، عزیزی پور، ۱۳۹۱: ۵۷).



نقشه ۱. قلمرو حکومت اشکانیان هند



نقشه ۲. مسیر کشور گشایی گوندوفر

۲-۲. خاستگاه و تبار اشکانیان هند

در باره گذشته شاهان اشکانی هند بحث‌های مختلفی وجود دارد. در ادبیات سانسکریت به‌طور خاص نامی از حکومت اشکانیان هند برده نشده؛ اما از اشکانیان به‌عنوان مهاجمان به هند یاد شده است (Rapson, 1922: 563)؛ به نظر می‌رسد این اشکانیان مهاجم همان گروهی باشند که ما آنها را به‌عنوان اشکانیان هند می‌شناسیم.

برخی محققین شاهان اشکانی هند را دارای تباری اشکانی دانسته و برخی دیگر آنها را به شاهان سکاهایی منسوب کرده‌اند؛ چنانکه سلوود (Selwood, 1980: 293) و دیاکونوف (دیاکونوف، ۱۳۷۸: ۳۰) شاهان اشکانی هند را یکی از شعبه‌های خاندان اشکانی ایران می‌دانند و گاردنر (Gardner, 1886: 109) ضمن انتساب شاهان اشکانی هند به شاهان اشکانی ایران، آنان را شاهزادگانی منسوب به خانواده مهرداد اول می‌داند. بیوار نیز معتقد است حکومت اشکانیان هند منسوب به یک خاندان زمیندار پارتی است که با پیشروی در خاک هند و عقب راندن سکاهای مهاجر حکومت خود را تأسیس کرده است (بیوار، ۱۳۸۳: ۲۹۲)؛ با این حال میچینر اشکانیان هند را یکی از شعبات قبایل سکایی به نام ساکارائوکون (Sacarauca) می‌داند (Mitchiner, 1978: 347). دوبواز هم گوندوفر (Gondophares) مؤسس حکومت اشکانیان هند را یکی از شاهان سکایی هند می‌داند که به گسترش قلمرو خود در نواحی شمال غرب هند پرداخته و در آنجا شهرت بسیار حاصل کرده است. یوستی نیز گوندوفر را یک سکایی می‌داند (Justi, 2004: 120) از آنجا که سکاها نیز با اشکانیان^۸ قرابت داشته‌اند (Assar, 2005: 19)، به نظر می‌رسد اگر بنیان‌گذاران حکومت اشکانی هند را از خاندان اشکانیان ایران بدانیم به بیراهه نرفته‌ایم.

۲-۳. شاهان اشکانی هند

۲-۳-۱. اورتاگون و گوندوفر

غالب محققین (Ghosh, 2016: 1; Gardner, 1886: 110; Cribb 1985: 295) گوندوفر را به‌عنوان نخستین پادشاه حکومت اشکانی هند معرفی کرده‌اند؛ با این حال محققینی هم هستند که اورتاگون (Ortahagones) را پادشاهی قبل از گوندوفر در سلسله اشکانیان هند می‌دانند و معتقدند که گوندوفر، ساتراپ اورتاگون در آراخوسیا بوده که در نهایت جانشین او می‌شود (Rapson, 1922: 579, Marshal, 1951: 63; Simonetta, 1974). Mukharjee, 1969: 66) 285 اورتاگون که خود جانشین اسپالیرس (Spalirises) شاه سکایی هند در منطقه درنگیانا شده بود به ضرب درهم‌های نقره به سبک اشکانی با نام شخصی و لقب شاهنشاه پرداخت (تصویر ۲). بر سکه‌های اورتاگون علاوه بر نام شخصی او نام گوندوفر و گودا^۹ (Guda) هم دیده می‌شود؛ بر این اساس می‌توان گفت که او حکومت خود را به‌طور مشترک به همراه گودا و گوندوفر اداره می‌کرده است (Mac Dowall, 1965: 138) همچنین می‌توان احتمال داد که گودا و گوندوفر برادران اورتاگون بوده‌اند (خادمی ندوشن، عزیزپور، ۱۳۹۱: ۶۱).



www.vcoins.com تصویر ۲- سکه اورتاگون (گوندوفر و

گادانا)، ضرب ضربخانه سیستان، روی سکه تصویر شاه و پشت

سکه تصویر اورتاگون در حالیکه نیکه تاج بر سر او می‌گذارد.

درباره کیستی گوندوفر و نقطه آغاز حکومت او اتفاق نظر کاملی بین محققین وجود ندارد. دوبواز بر این عقیده است که گوندوفر در حکومت سکاهاى هند به طور مشترک با گودا بر آراخوسیا حکومت می‌کرد تا اینکه در سال ۱۹ م به هندوستان حمله کرد و به توسعه قدرت خود در نواحی شمال غرب هند پرداخت (دوبواز، ۱۳۴۲: ۴۷). سال ۱۹ م همان سالی است که ونون در حین فرار با وساطت اردوان سوم به قتل می‌رسد. در این زمان جنگ‌های داخلی نابسامانی‌هایی را در قلمرو اشکانیان به وجود آورده و گرایش‌های جدایی‌خواهانه در بین برخی ساتراپی‌های وابسته به حکومت مزبور پدیدار گشته بود (بیوار، ۱۳۸۳: ۱۶۹). می‌توان گفت این نابسامانی‌ها فرصت مناسبی را در اختیار گوندوفر قرار داده بود تا به گسترش قدرت خود در نواحی شرقی حکومت اشکانی بپردازد و حتی بخش‌هایی از آن را تصرف کند. او پادشاهی‌اش (نقشه ۲) را از سیستان آغاز کرد، سپس آراخوسیا را تسخیر نمود و از آنجا از منطقه‌ای در بالای دریاچه آب ایستاده (*Ab-i-Istada*)^{۱۰} به ادامه گسترش قلمرو خود پرداخت. گوندوفر از طریق آراخوسیا به دره کابل و گندهارا رسید و از آنجا پادشاهی‌اش را تا نواحی جامو-پاتانکت (*Jammu-Pathankot*)^{۱۱} گسترش داد و توانست بخش‌هایی از منطقه ایندوس را تحت سلطه خود در آورد (*Mc Dowell, 1939: 791*). تسلط بر این منطقه دسترسی به بندر بارباریکن (*Barbarikon*) را برای اشکانیان هند فراهم کرد. این بندر به جاده ابریشم متصل می‌شد که در آن زمان تجارت در آن جاده از طریق خلیج فارس رونق یافته بود. این دسترسی و منافع اقتصادی حاصل از آن ثروت زیادی را برای حکومت اشکانیان هند به ارمغان آورد. گوندوفر با فتح این نواحی به ضرب سکه‌های مسی براساس استاندارد هندی پرداخت و بر آنها چهره خویش را با گوشواره خاص هندیان نقر کرد (*Ghosh, 2016: 3*).

سکه‌های گوندوفر - که منبع مهمی از اطلاعات درباره وقایع سلطنت او هستند - از هرات، سیستان، قندهار و دره کابل و بندرت از پنجاب به دست آمده است. در بین این سکه‌ها نمونه‌هایی است که مشابه سکه‌های اردوان دوم/ سوم (؟)^{۱۲} اشکانی است. بر پشت این سکه‌ها تصویر الهه نیکه - که نماد پیروزی است - دیده می‌شود (تصویر ۳). این تصویر سکه‌های گوندوفر را از سکه‌های پیشینیان سکایی‌اش جدا می‌کند (*1922: 568* Rapson, او همچنین به کپی برداری از برخی سکه‌های شاهان اشکانی ایران پرداخت و بر روی آنها از لقب اوتوکرات (*Autocrat*) استفاده کرد (*Thomas, 1870: 513*). این لقب پیش از او به وسیله ارشک بنیان‌گذار سلسله اشکانی هم استفاده شده بود. سلوود این واژه را فرمانروای مطلق ترجمه کرده است (*Selwood, 1980: 22*) نام گوندوفر بر سکه‌هایش به صورت ونوفر (*Vnopsa*)، گوندافرای (*Gondopherey*) و نودوفرای (*Yndypheroy*) نوشته شده است. این موضوع شاید به این علت باشد که نام او در جاهای مختلف تلفظ‌هایی

متفاوت داشته است. (خادمی ندوشن، عزیزی‌پور، ۱۳۹۱: ۶۱). محققین احتمال داده‌اند که نام گوندوفر از کلمه ویندافرنه (*Vinda-farna*) (پارشاطر، ۱۳۸۳: ۵۶۵) که به معنی دارای فر و شکوه است (دوبواز، ۱۳۴۲: ۴۸)، مشتق شده باشد.



www.vcoins.com تصویر ۳- سکه گوندوفر: روی سکه چهره گوندوفر. پشت سکه تصویر الهه نیکه در حالیکه برگ درخت خرما را در دست دارد.

علاوه بر سکه‌ها مدراک دیگری که به حضور گوندوفر در نواحی شمال غرب هند گواهی می‌دهند کتیبه کهروشتی (*Kharosti*) تخت باهی و نیز متن یک عهدنامه مسیحی^{۱۳} است. اگرچه برای دو منبع اخیر تاریخ‌های متفاوتی ذکر شده (*Macdowall, 1965: 137*). با این حال علی‌رغم تردیدهای بسیار مورخین توانسته‌اند با تلفیق تمامی منابع مزبور دوران سلطنت گوندوفر را بین سال‌های ۴۶-۲۰ م تاریخ‌گذاری کنند^{۱۴} (*Simonetta, 1978: 164*).

زرین کوب گوندوفر را از نام‌آوران و نه بنیان‌گذار دولت اشکانی-سکایی هند می‌داند؛ به عقیده او بعد از کشته شدن سورن- سردار ارد دوم- خاندان او که در سیستان مستقر بودند، ارتباط خود با اشکانیان ایران را قطع کرده و به گسترش مرزهای خود در نواحی شمال غرب هند پرداختند و در نهایت دولت اشکانی-سکایی هند را تأسیس کردند (زرین کوب، ۱۳۷۶: ۱۶۵).

هرتسفلد از یک طرف مشابهتی بین گوندوفر - پادشاه حکومت اشکانیان هند- با سورن قائل شده و از طرف دیگر مشابهتی بین سورن تاریخی و رستم شاهنامه برقرار کرده است. محقق اخیر، رستم و گوندوفر را یک شخصیت واحد فرض کرده و حتی ویرانه‌های قلعه رستم در سیستان را (تصویر ۵ و ۴) متعلق به گوندوفر می‌داند^{۱۵} (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۲۹۸-۲۹۷). اگرچه وسوسه برانگیز است که سورن و گوندوفر را با هم مرتبط بدانیم، اما واقعیت این است که تاریخ به تخت نشستن گوندوفر در سال ۲۰ / ۱۹ م (*Simonetta, 1978: 16*) با تاریخ به قتل رسیدن سورن که در زمان ارد - در سال ۵۳ ق.م - (بیوار، ۱۳۸۳: ۱۵۲) رخ داده همخوانی ندارد.



تصویر ۴ - ویرانه‌های قلعه رستم (منبع ویکی پدیا)

www.vcoins.com

تصویر ۵ - سکه گوندوفر با علامت مخصوص او

این گوندوفر - هر که باشد - مرزهای حکومت اشکانیان هند در دوران حکومت او گسترش وسیعی یافت؛ با این حال حکومت پادشاه مزبور هرگز حکومتی یکپارچه و متمرکز نبود. بسیاری از حکومت‌های فرعی در سلطنت او دیده می‌شود؛ همچنین هندو سکایی‌ها به‌طور کامل مغلوب گوندوفر نشده و در مواردی به قلمرو او حمله می‌کردند (Senior, 2001:43). کوشانیان در اواخر سلطنت گوندوفر تحت رهبری کوجول کادفیس به قلمرو شاهان اشکانی هند حمله کردند. ضرب مجدد کوجول کادفیس بر سکه‌های گوندوفر آشکارا نشان می‌دهد که کوجول کادفیس به حکومت اشکانیان هند در پارپامیساد (Paropamisadae) (نواحی کابل و بگرام) و گندهارا خاتمه داده است (Narain, 1980:43)؛ اما این به معنی از بین رفتن کامل حکومت اشکانیان هند و پایان کار آنان نیست.

تا سال ۴۵ م گوندوفر هنوز زنده بود؛ اما تاریخ مرگ او برای ما آشکار نیست (دوبواز، ۱۳۴۲: ۴۸). با به قدرت رسیدن جانشینان گوندوفر حملات هند و سکایی‌ها به قلمرو شاهان اشکانی هند بیشتر شد و شاهان کوچکی که در زمان حیات گوندوفر هر یک بر بخشی از قلمرو او فرمانروایی داشتند بعد از مرگ او به نزاع علیه یکدیگر برخاستند (Ghash, 2016:2).

اطلاعات ما درباره شاهانی که بعد از گوندوفر در قلمرو شاهان اشکانی هند به قدرت رسیده‌اند - به نسبت آنچه درباره گوندوفر می‌دانیم - وضوح کمتری دارد و توالی آنها هنوز تا حد زیادی قابل بحث است. این مشکلات از اینجا ناشی شده که حکومت شاهان اشکانی هند، حکومت متمرکزی نبوده و بر هر بخش آن پادشاهی حکومت می‌کرده است. افزون بر آن، این پادشاهان در پی هر اتفاق سیاسی قابل توجهی اسم و یا لقب خود را عوض می‌کرده‌اند (دوبواز، ۱۳۴۲: ۴۷). آنچه موضوع را از نظر علمی بغرنج‌تر می‌کند؛ این است که بعضاً برخی پادشاهان نام‌های مشترکی داشته‌اند. مورخین تلاش کرده‌اند در مورد آنها از عناوین و تعاریفی همچون اول، دوم و غیره استفاده کنند؛ اما با این حال هنوز ابهامات و پیچیدگی‌هایی در مورد توالی هر یک از شاهان مزبور، مدت حکومت و محدوده فرمانروایی آنها وجود دارد. این موضوع مانع از بیان تاریخ دقیق شاهان اشکانی هند می‌شود؛ علی‌رغم تمام پیچیدگی‌های موجود ما تلاش می‌کنیم با تکیه بر منابع تاریخی و مدارک سکه‌شناسی به بررسی شاهان بعد از گوندوفر بپردازیم.

۲-۳-۲. جانشینان گوندوفر

۲-۳-۲-۱. ابدآگاسس (*Abdagases*) و پاکور (*Pacores*)

برخی محققین، پاکور (*Simonetta, 1974: 285; Mukharjee, 1969: 104*) و برخی دیگر، ابدآگاسس را به‌عنوان جانشین گوندوفر (*Gardner, 1886: 107-108; Mitchiner, 1978: 351*) معرفی کرده‌اند. نام و نشان ابدآگاسس بر برخی از سکه‌های گوندوفر دیده می‌شود (دوبواز، ۱۳۴۲، ۴۸). محققین این علامت را یک سمبل قبیله‌ای می‌دانند (*Grenet and Bopparachchi, 1996: 220*) او به‌عنوان برادرزاده گوندوفر هم معرفی شده است (*Koch, 1990: 10*)؛ هر چند نام پدرش برای ما ناشناخته است. به عقیده دوبواز ابدآگاسس در زمان حیات گوندوفر در ولایات ایرانی به عنوان نایب السلطنه از طرف عموی خود حکمرانی می‌کرده؛ اما جانشین او نبوده است. گش ابدآگاسس را جانشین گوندوفر معرفی می‌کند و نسبت دادن او به عنوان پسر برادر گوندوفر را نتیجه تلاشی می‌داند که برای مشروعیت بخشیدن به ابدآگاسس در غیاب وارث مستقیم انجام شده است (*Ghosh, 2016: 3*). ابدآگاسس می‌بایست پادشاهی قدرتمند بوده باشد؛ چرا که توانست آراخوسیا و پارامیساد - که کنترل آنها بعد از گوندوفر از دست اشکانیان هند خارج شده بود - را از کوشانیان باز پس گیرد (خدمی ندوشن، عزیزپور، ۱۳۹۱: ۶۶). پیدا شدن سکه‌های ابدآگاسس (تصویر ۶) در آریا (هرات) بیانگر این است که او توانسته بود این منطقه را نیز به قلمرو اشکانیان هند ضمیمه کند. با این حال عدم یافت شدن سکه‌های او از کابل نشان می‌دهد که منطقه مزبور در زمان او همچنان در سیطره کوشانیان بوده است (*Puri, 1965: 61*). میچینر دوران فرمانروایی ابدآگاسس را بین سال‌های ۱۰۰/۱۱۰-۵۵ م قرار می‌دهد (*Mitchiner, 1978: 352*)؛ ولی به عقیده مکداول دوران حکومت ابدآگاسس در بگرام در اوایل حکومت کوجول کادفیس - پادشاه کوشانی - به انتها رسیده است (*Mac Dowell, 1965: 140*). جای تأسف است که درباره کوجول کادفیس هم اطلاعات دقیقی در دسترس نیست^{۱۶}.

همزمان با ابدآگاسس سکه‌ها به حضور پادشاه دیگری در قلمرو شاهان اشکانی هند گواهی می‌دهند. این شاه ساسس (*Sases*) نام داشت و توانست بخشی از گندهارا را تحت سلطه خویش درآورد (*Ghosh, 2016: 3*) البته محققینی هم هستند که از ساسس به عنوان پادشاهی بعد از پاکور و یا همزمان با او یاد کرده‌اند (*Thomas, 1870: 518*). ساسس از نماد گوندوفر و القاب پر طمطراقی همچون شاه شاهان و شکست‌ناپذیر بر روی سکه‌های خود (تصویر ۷) استفاده کرده است؛ القابی که پیش از او گوندوفر هم بر سکه‌ها به کار برده بود. کاربرد این القاب بر سکه‌ها نشان می‌دهد که پادشاه مزبور احتمالاً توانسته بود کنترل بخش‌هایی از گندهارا را از دست ابدآگاسس خارج کند^{۱۷}. گش بر اساس این القاب ساسس را پادشاهی قبل از پاکور می‌داند. محقق مزبور بعد از ابدآگاسس اول به ترتیب از این پادشاهان نام می‌برد؛ اورتاگون (*Ortahagnes*)، اوبوزانوس (*Ubouzananes*)، ساسس و سپس پاکور (*Ghosh, 2016: 4*)؛ اما این توالی، تنها توالی پذیرفته شده برای پادشاهان اشکانی هند نیست و نظرات مختلفی در این مورد وجود دارد؛ چنانکه مکداول بعد از ابدآگاسس از پاکور و سپس از سنابارس نام می‌برد (*Macdowall, 1965: 139*). بیوار نیز اورتاگون دوم را شاهی بعد از ابدآگاسس می‌داند (بیوار، ۱۳۸۳: ۳۱۵). متأسفانه نام پدر اورتاگون هم برای ما ناشناخته است؛ با این حال مکرگی او را از خانواده سلطنتی اشکانی می‌داند. سکه‌های او در سیستان و گندهارا به دست آمده است (*Mukharjee, 1969: 68*).



www.vcoins.com تصویر ۷- سکه ساسی: شاه سوار بر اسب به سمت راست. نشانه گوندوفر در سمت راست دیده می‌شود. بر روی این سکه‌ها از خط یونانی و کپروشی استفاده شده است. شناخت قطعی سکه‌های ساسی معمولاً مشکل است به این خاطر که نام پادشاه غالباً نامشخص است. این سکه‌ها را می‌توان بر اساس ترکیبی از علائم شناخت که تنها بر سکه‌های ساسی دیده می‌شود.



www.vcoins.com تصویر ۶- سکه ابدگاسی: شاه سوار بر اسب به سمت راست در حالیکه بازوی راستش را بالا آورده است، سمبل گوندوفر به سمت راست، پشت سکه: زئوس ایستاده به سمت راست در حالیکه عصای سلطنتی را در دست دارد.

۲-۳-۲. پاکور

برخی محققین پاکور را جانشین ابدگاسی (*Rapson, 1922:573*) و برخی دیگر او را پادشاهی می‌دانند که جانشین گوندوفر شده است (دوبواز، ۱۳۴۲: ۴۹). پاکور، لقبی اشکانی و به معنای فیروز است. سیمونتا او را فرزند گوندوفر می‌داند (*Simonetta, 1974:285*). میچینر دوران حکومت او را بین سال‌های ۱۱۰-۱۳۵ میلادی (*Mitchiner, 1973:354*) (بعد از فرمانروایی ابدگاسی) قرار می‌دهد. سکه‌های پاکور در ابرشهر، مرو، هرات و تاکسیلا به دست آمده است. بر آن دسته از سکه‌های پاکور که از تاکسیلا به دست آمده تصویر الهه نیکه که نماد پیروزی است (تصویر ۸)، دیده می‌شود این سکه‌ها به وضوح نشان می‌دهند که پاکور موفق شده بود ویم کادفیس - پادشاه کوشانی - را از تاکسیلا بیرون کرده و خود بر این منطقه فرمانروایی کند (دوبواز، ۱۳۴۲: ۴۹). عدم پیدا شدن سکه‌های پاکور از کابل ما را متقاعد می‌کند که او نیز - همچون ابدگاسی - نتوانسته بود بر منطقه مزبور حکومت کند. پاکور آخرین شاه اشکانی هند است که توانست بر گندهارا حکومت کند (*Rapson, 1922:580*). بعد از او روند سقوط شاهان اشکانی هند آغاز شد. برخی محققین همزمان با پاکور از شاه دیگری به نام سنابارس (*Sanabares*) یاد می‌کنند. به نظر می‌رسد این دو پادشاه در دو منطقه متفاوت حکومت می‌کرده‌اند؛ پاکور بر ابرشهر، تاکسیلا و هرات حکومت می‌کرده و سنابارس احتمالاً سیستان را در اختیار داشته است (*Macdowall, 1965:143-144*).



تصویر ۸- چهار درهمی پاکور، روی سکه نیم تنه پاکور به سمت چپ، پشت سکه نیکه بالدار به سمت راست.

۲-۳-۳. سنابارس

پادشاهان مختلفی با نام سنابارس در اواخر حکومت اشکانیان هند بر تخت سلطنت نشستند (Simonetta, 1974: 287). سلوود زمان حکومت اولین سنابارس را بین سال‌های ۶۰-۵۰ میلادی قرار می‌دهد (Selwood, 1980:305). او حاکم مرو بوده و از طریق روابط خانوادگی و ازدواج با خانواده گوندوفر ارتباط داشته است. پیدا شدن سکه‌های او در سیستان از یک طرف و کاربرد خط یونانی (تصویر ۹) بر این سکه‌ها از طرف دیگر نشان می‌دهد که او توانسته بود بر این منطقه حکومت کند (Nikintin, 1994:69). بعد از سنابارس اول، احتمالاً سنابارس دوم و سوم در مرو حکمرانی کرده‌اند. به گواهی سکه‌ها در اواخر حکومت اشکانیان هند شاهان دیگری همچون پارهاس اول و دوم و سمارا نیز بر قلمرو رو به زوال شاهان اشکانی هند حکومت کرده‌اند (خادمی ندوشن، عزیزی‌پور، ۱۳۹۱: ۶۷)؛ اما از این پادشاهان جز نامی که بر سکه‌ها آمده اطلاع دیگری در دست نیست.



تصویر ۹- سکه سنابارس ضرب ضرابخانه سیستان با خط یونانی

۲-۴. پایان کار حکومت اشکانیان هند

ظهور حکومت کوشانیان را می‌توان اصلی‌ترین عامل در سقوط حکومت اشکانیان هند دانست. اگر چه کوشانیان در سال ۲۵ میلادی و در زمان حکومت گوندوفر موفق به بنیان‌گذاری سلطنت خود شدند؛ اما در اوایل قدرت سیاسی اشکانیان هند آنان را محدود ساخته بود. با به قدرت رسیدن کوجول کادفیس - شاه کوشانی- در زمان حکومت پاکور دست درازی کوشانیان به قلمرو اشکانیان هند به وضوح قابل مشاهده است (Mukherjee, 1978:9). در این زمان که حکومت اشکانیان ایران درگیر جنگ‌های داخلی بعد از مرگ اردوان سوم بود (بیوار، ۱۳۸۳: ۱۸۱) کوشانیان آراخوسیا و تاکسیلا را از دست اشکانیان هند خارج کردند. اگر چه پاکور توانست موقتاً این مناطق را از کوشانیان بازپس گیرد؛ اما در طول زمان کوشانیان توانستند حکومت اشکانیان هند را تنها به منطقه‌ای در جنوب مصب رود سند محدود کنند (دوبواز، ۱۳۴۲، ۵۰). گاش معتقد است که حکومت اشکانیان هند به وسیله کوشانیان و تحت رهبری کوجول کادفیس سقوط کرد. این محقق با توجه به ضرب مجدد کوجول کادفیس بر سکه‌های گوندوفر معتقد است که کوجول - پادشاه کوشانی- به حکومت اشکانیان هند در پارپامیساد (نواحی کابل و بگرام) و گندهارا خاتمه داده است. وی همچنین به ذخیره‌ای از سکه‌های نقره‌ای کوچک اشاره می‌کند که در تاکسیلا پیدا شده است. در این گنجینه سکه‌هایی از حاکمان اشکانی هند، ساسس (ساسان) و سارپدانس (Sarpedanes) و نیز سکه‌هایی از کوجول کادفیس یافت شده است. سکه‌های کوجول کادفیس از نظر زمانی آخرین سکه‌های ضرب شده در این گنجینه است؛ گش این موضوع را به‌عنوان پایان کامل کار اشکانیان هند به حساب آورده است (Ghosh, 2016:4). با این حال از یاد نبریم که اگر چه کوشانیان بخش زیادی از قلمرو اشکانیان هند را تسخیر کردند؛ اما قلمرو آنان به طور کامل به

امپراطوری کوشان ضمیمه نشد. کوشانیان در قرن اول میلادی بخش شرقی قلمرو اشکانیان هند را تسخیر کردند اما نواحی غربی همچنان در دست اشکانیان هند باقی‌ماند تا اینکه با به قدرت رسیدن اردشیر ساسانی دولت اشکانی هند کاملاً منقرض شد.

اردمیترا (Arda-mitra) استانداری بود که از طرف اردشیر در سال ۲۳۰ م حاکم قلمرو اشکانیان هند شد. سکه‌های او با سکه‌هایی که پیش از این اشکانیان هند در آراخوسیا و سیستان ضرب کرده بودند شباهت بسیاری دارد. با این حال بر سکه‌های اردمیترا (تصویر ۱۰) - بر خلاف سکه‌هایی که حاکمان هند و پارسی ضرب کرده‌اند - نقش آتشکده دیده می‌شود (Macdowall, 1965: 145) اگر به یاد بیاوریم که نقش آتشکده بر تمام سکه‌های اردشیر (تصویر ۱۱) دیده می‌شود (کریستین سن، ۱۳۸۴: ۱۱۵)، آنگاه می‌توانیم وجود این نقش بر سکه‌های اردمیترا را نشانه پایان یافتن قدرت اشکانیان هند بدانیم.



تصویر ۱۱- درهم نقره اردشیر



تصویر ۱۰- سکه اردمیترا با نقش آتشدان در پشت سکه

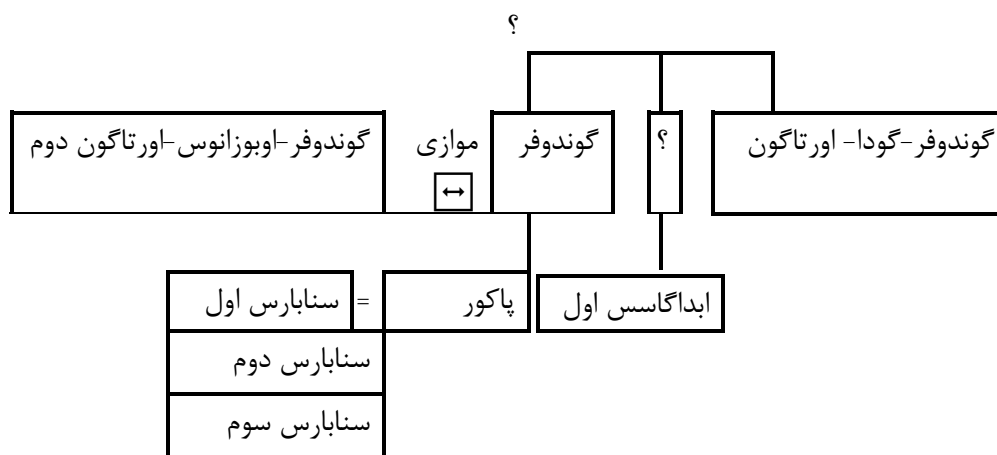
۳. نتیجه

اشکانیان هند یکی از شعبه‌های خانواده اشکانی بودند که همزمان با آغاز آشوب و جنگ‌های داخلی در قلمرو اشکانیان به گسترش مرزهای خود در نواحی شرق ایران تا مناطق شمال غرب هند پرداختند. پیدا شدن تعداد بسیار کمی از سکه‌های شاهان اشکانی ایران در قلمرو تحت سلطه اشکانیان هند از یک طرف و استفاده از لقب شاه شاهان توسط شاهان اشکانی هند از طرف دیگر نشان می‌دهد که اشکانیان هند از حکومت اشکانیان ایران مستقل شده بودند. گوندوفر اعتلا دهنده واقعی قدرت اشکانیان هند بر سکه‌های خود از واژه اوتوکراد به معنی فرمانروای مطلق استفاده کرده است؛ این خود دلیل دیگری است که اشکانیان هند داهیه جدایی کامل از اشکانیان ایران را داشته‌اند. گوندوفر همچنین بر سکه‌هایش گوشواره خاص هندیان را در گوش دارد. می‌توان تصور کرد که او با این کار می‌خواست خود را به هندیان نزدیک کند؛ با این حال به نظر می‌رسد که تلاش او بی‌فایده بوده است؛ چرا که در ادبیات سانسکریت از پارت‌ها به عنوان مهاجم یاد شده است.

اشکانیان هند سکه‌های شاهان اشکانی ایران را سورشارژ کرده؛ اما خدش‌های به چهره شاه اشکانی که بر این سکه‌ها نقر شده وارد نکرده‌اند. بر این اساس می‌توان گفت که روابط خصمانه‌ای بین دو حکومت مورد بحث وجود نداشته است. با این حال به نظر می‌رسد که این ظاهر قضیه باشد؛ چرا که وقتی شاهان اشکانی هند با حمله کوشانیان مواجه شدند، کمکی از جانب اشکانیان ایران دریافت نکردند. درست است که مقارن حمله کوشانیان به قلمرو اشکانیان هند، دولت اشکانی ایران خود با مشکلات داخلی فراوانی درگیر بود؛ اما اینکه هیچ گزارشی از حمایت اشکانیان ایران از اشکانیان هند در برابر کوشانیان موجود نیست را نباید ندید-

گرفت. این مطلب را می‌توان اینگونه تعبیر کرد که اشکانیان ایران چندان هم دل‌خوشی از اشکانیان هند نداشته‌اند و آنان را به چشم مزاحمی در قلمرو خویش می‌دیدند. در ارتباط با توالی شاهان اشکانی هند بر اساس مدارک سکه‌شناسی می‌توان این توالی را در نظر گرفت: گوندوفر (همزمان با اورتاگون و گدن)، ابدآگاسس، پاکور، سنابارس اول، دوم و سوم، شاهان دیگری به نام پارهاس و سمارا که فقط نامی از آنها بر سکه‌ها موجود است. جای تأسف است که سکه‌ها تنها به تصرف این مناطق بوسیله گوندوفر اشاره می‌کنند؛ اما مدرکی دال بر زمان به طول کشیدن حکومت او بر این مناطق به دست نمی‌دهند.

نمودار ۱- توالی شاهان اشکانی هند



پی‌نوشت‌ها

۱. برخی از منابع استفاده شده در این پژوهش متعلق به کتابخانه شخصی زنده یاد دکتر فرهنگ خامی ندوشن بود که از طرف خانواده ایشان در اختیار نگارنده قرار گرفت. همچنین خانم ساچندرا گش -پژوهشگر تاریخ هند از دانشگاه دهلی- برخی مقالاتی که دسترسی به آنها مقدور نبود را در اختیار نگارنده قرار دادند. از مهربانی این بزرگواران سپاسگزارم.
۲. نفوذ هخامنشیان به درون هند فراتر از گندهارا نبود (خامی ندوشن، عزیزی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۹). سپس هندو سکایی‌ها علاوه بر دستیابی به نواحی شرق جهلوم که شامل گندهارا و تاکسیلا می‌شد، برای مدت کوتاهی ماتورا را نیز تحت سلطه خویش درآوردند (Senior, 2006: 32). گوندوفر شاه اشکانی هند موفق شد شهر پوشکلاواتی در هند را تسخیر کند (Ghosh, 2016: 3).
۳. خاستگاه اصلی سکاها آسیای مرکزی است، آنان سپس به جنوب و غرب مهاجرت کردند. روسای یکی از قبایل سکایی به نام ونون از طریق افغانستان به هند رسید. مائوس یکی دیگر از رؤسای قبایل سکایی بود که از پامیر گذشت و وارد هند شد. در نیمه قرن اول ق.م، آس (Azēs) از گروه قبیله‌ای ونون حکومت سکاها در هند را گسترش داد. قلمرو آنها از آراخوسیا تا نواحی شرق جهلوم - که شهرهای گندهارا و تاکسیلا را در بر می‌گرفت- می‌شد. ماتورا نیز در دوره‌ای کوتاه به کنترل آنها در آمد (Ghosh, 2016: 2).
۴. در جغرافیای استرابو آمده که هند دور است و بسیاری از داستان‌هایی که درباره آن می‌گویند درست نیست.
۵. در مقالاتی که مورخین هندی درباره نواحی شمال غرب هند نوشته‌اند، یا نامی از اشکانیان هند آورده نشده یا اینکه سطحی و گذرا به حکومت مزبور پرداخته‌اند.
۶. تخت باهی در مرکز گندهارا در پاکستان قرار دارد.

۷. به طور کلی در کتاب‌های تاریخی صدر اسلام بسیار کم از اشکانیان صحبت شده است؛ ولی با این حال جای تعجب است که در هیچ یک از این کتاب‌ها به صورت مستقیم حتی جمله‌ای درباره حضور اشکانیان در هند آورده نشده است (بیرونی، ۱۴۶، ۱۳۹۲-۱۳۸). از تاریخ سیستان تنها همین قدر می‌دانیم که ایرانیان در قبل از اسلام در هند حضور سیاسی داشته و نقش آنان برای هندیان آزادی بخش بوده است (مؤلف ناشناخته، ۱۳۸۱، ۵۱). متأسفانه شناخت هویت تاریخی برخی از نام‌هایی که در تاریخ سیستان از آن سخن رفته برای ما مشخص نیست.
۸. آثار معتقد است که مادر سنتورک سکایی بوده و همین قوم بودند که سکاها را در رسیدن به قدرت یاری دادند. تصویر شاخ گوزن که سنتورک بر سکه‌هایش استفاده کرده شاهد دیگری بر ارتباط او و سکاها است (Assar, 2005: 17-19).
۹. در برخی منابع به جای واژه گدا از واژه گدن استفاده شده است. ما در این پژوهش بر اساس نظر راپسون در تاریخ کمبریج (Rapson, 1922: 576) از واژه گودا استفاده می‌کنیم.
۱۰. دریاچه‌ای شور در حوالی غزنی افغانستان.
۱۱. جامو - پاتنکت نام جاده‌ای است که شهر جامو در ایالت کشمیر در شمال غرب هند و هم مرز با پاکستان را به شهر پاتنکت در ایالت پنجاب هند متصل می‌کند.
۱۲. اگر چه برخی محققین اردوان را به عنوان سومین پادشاه اشکانی معرفی می‌کنند (بیوار، ۱۳۸۳: ۱۳۱)؛ با این حال محققینی هم هستند که از اردوان اول نامی نبرده و پریاپاتیوس را سومین پادشاه اشکانی می‌دانند (Selwood, 1980: 28)؛ به همین جهت در مورد دیگر شاهان اشکانی که نام اردوان دارند شبهاتی به وجود آمده است.
۱۳. بر اساس متن اعمال توماس می‌دانیم که توماس به‌عنوان یک حواری مسیحی جهت همکاری برای ساختن یک قصر از طرف گوندوفر به کار گرفته شده بود.
۱۴. گوتشمید دوران حکومت گوندوفر را بعد از سال ۱۶ م می‌داند (گوتشمید، ۱۳۷۹، ۱۹۸). سنپور نیز آغاز فرمانروایی گوندوفر را همزمان با اواخر سلطنت آرس دوم - پادشاه سکایی هند - می‌داند (Senior, 2001: 110).
۱۵. علی‌رغم نظر هرستفلد بسیاری از محققین بنای قلعه رستم در سیستان را متعلق به دوره اسلامی می‌دانند (سید سجادی، ۱۳۸۲: ۲۲).
۱۶. ناراین دوران حکومت کوجول کادفیس را بین سالهای ۱۰۰-۲۷ م قرار می‌دهد (Narain, 1980: 43) اما بیوار سال ۴۵ م را دوران آغاز حکومت او می‌داند و معتقد است که کوجول معاصر گوندوفر بوده و در غرب رودخانه سند حکومت می‌کرده است (بیوار، ۱۳۸۳: ۳۱۴).
۱۷. شناخت سکه‌های ساسس با دشواری‌هایی همراه است؛ از آنجا که بر این سکه‌ها نام پادشاه غالباً نامشخص است، سکه‌های مزبور را باید بر اساس ترکیبی از علائم شناخت که تنها بر سکه‌های ساسس دیده می‌شود.

منابع

- استرابو (۱۳۸۲)، *جغرافیای استرابو: سرزمینهای زیر فرمان هخامنشیان*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- آذری اعلا، علاءالدین. (۱۳۵۰)، «روابط ایران و هند در عهد باستان»، بررسی‌های تاریخی، شماره ۴، سال ششم، شماره ۳۵، صفحات ۱۱۱-۱۴۶.
- بیرونی، ابوریحان، محمد بن احمد، (۱۳۹۲). *آثار الباقیه*، ترجمه و تعلیق پرویز سپتمان (اذکایی)، تهران: نشر نی.
- بیوار، ا. د. ه (۱۳۸۳)، «تاریخ مشرق ایران»، *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، گردآورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، ج سوم، قسمت اول، تهران: امیر کبیر، صفحات ۳۳۴-۲۷۷.
- _____، (۱۳۸۳)، «تاریخ سیاسی ایران در دوره اشکانیان»، *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، ج سوم، قسمت اول، گردآورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، صص ۱۹۷-۱۲۳.
- خادمی‌ندوشن؛ فرهنگ، طاهره عزیزی‌پور، ۱۳۹۱، *تاریخ و هنر شرق ایران از زمان هخامنشیان تا ظهور اسلام*، تهران: سمیرا.
- دوبواز؛ نیلسون (۱۳۴۲)، *تاریخ سیاسی پارت «اشکانیان»*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: کتابخانه ابن سینا.
- دیاکونوف؛ میخائیل میخائیلوویچ (۱۳۷۸)، *اشکانیان*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.

زرین کوب؛ عبدالحسین (۱۳۷۶)، روزگاران ایران، چاپ سوم، تهران: سخن.

سیدسجادی. سید منصور، ۱۳۸۲، راهنمای مختصر آثار باستانی سیستان، زاهدان: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان سیستان و بلوچستان

فرای، ریچارد نلسون (۱۳۸۳)، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: علمی و فرهنگی.

گوتشمید، آلفرد (۱۳۷۹)، تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: علمی و فرهنگی،

کریستین سن، آرتور (۱۳۸۴)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر.

لوکرنین، وه گ (۱۳۸۷)، « نهادهای سیاسی، اجتماعی و اداری، مالیاتها و داد و ستد»، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان، گردآورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، ج سوم، قسمت دوم، تهران: امیر کبیر، صفحات ۱۴۸-۷۱.

مؤلف ناشناخته (۱۳۶۷)، گزیده ریگ ودا، تحقیق و ترجمه محمدرضا جلالی نایینی، تهران: نقره.

مؤلف ناشناخته (۱۳۸۱)، تاریخ سیستان، به تصحیح محمد تقی ملک الشعرا بهار، تهران: معین.

محمدی؛ حسین (۱۳۹۵)، «روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران و هند در عصر پارتیان»، فصلنامه مطالعات شبه قاره، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، صص ۱۲۴-۱۰۳.

یارشاطر، احسان (۱۳۸۳)، «تاریخ ملی ایران»، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان، گردآورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، ج سوم، قسمت اول، تهران: امیرکبیر، صفحات ۴۷۱-۵۷۶.

هرتسفلد، ارنست (۱۳۸۱)، ایران در شرق باستان، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Assar, G.R.F, 2005. "The Jenology Of The Parthian King Sinatruces 93/2-69/8 B.C". The Journal of The Classical and medieval Numismatic society (Canada) June 2005, Ser 2. Vol 6(2):16-23.

Bertram, Richard. 1922. "Pre Mohammad coinage of north western India", numismatic notes and monographs, Issue 13, American numismatic society, new York.

Cribb, J. 1985. New evidence of Indo-Parthian Political history. Coin Hoards VII: 282-300.

Gardner, P. 1886. Catalogue of the Indian coins of the British Museum, Greek and Scythic kings of Bactria and India, London.

Ghosh, S. 2016, "Indo Parthian kingdom", The Encyclopedia of empire. pp1-4.

Grenet, F., Bopearachchi, O., 1996, "Une monnaie en or du souverain Indo - Parthe Abdageses II", Studia Iranica Vol 25: 219-231.

Jenkins, G.K., 1995. "Indo-Scythian mints, Journal of the numismatic society of India, XVII: 1-26.

Justi, F. 2003. Iranisches Namenbuch, Tehran: Asatir.

Koch, H. 1990. A Hoard of coins from eastern Parthia. New York, American numismatic society notes and monograph.

Mac Dowall, D.W. 1965. "The dynasty of the later Indo-Parthian", The numismatic Chronicle and Journal of the royal Numismatic society, Seventh series, Vol. 5: 137-148.

Marshall, J., 1951. Taxila. Cambridge.

McDowell, R. H. 1939, "Indo - Parthian Frontier", American historical Review. Vol 44. No 4. pp: 781-801.

Mitchiner, M., 1978. Oriental coins and Their values: The ancient and classical worlds: 600 B.C- A.D. 650, London.

Mitchiner, M., 1973, The early coinage of central Asia, London.

Mukharjee, B. N., 1969, An agrippan sources; a study in Indo-Parthian history, Calcutta: Pilgrim publisher.

Mukherjee, B. N., 1978, Kushan coins of the land of five rivers, Calcutta.

Narain, A. K. 1980. The Indo Greek from Alexander to Kanishkan, (Dehli).

Nikitin,AK.1994. .”Coins of the last Indo-Parthian king of Sakastan ” (a Farewell to Ardamisra)”,*South Asian Studies* 10,67-69.

Rapson,EJ. 1922.”The Successors of Alexander the great” ,*The Cambridge history of India*,Vol.1, pp:540-561.

_____,1922. ”the Scythian and Parthian Invaders. ” *The Cambridge history of India*, Vol.1, pp:563-592,

Puri.B. N. 1965. *India under The Kushans*:,Bombay:Bharatiya vidya Bhavan.

Senior, RC.1991. "More Gondophares, Less Azes and Just Who Met St Thomas." *Oriental Numismatic Society, Occasionnal Paper* 25: 1-12.

_____.2001. "Indo-Scythian coins and history", Vol.I, London, *Classical numismatic group*: 39-85.

_____. 2006. *Indo-Scythian coins and history, Vol 4: Supplement, Additional coins and hoards*. London.

Simonetta, A. 1974.”The Indo Parthian coinage and Its significance in the chronology of the Kushans”, *Central Asia in the Kushan period, Vol I*.Moscou:283-288.

_____,1978. "The chronology of the Gondopharen Dynasty".*East,West*, 28:155-187.

Selwood. D. 1980. *Introduction to the coinage of Parthian* ,London.

Thomas, E. 1870.”Indo Parthian coins”, *The Journal of the royal Asiatic society of great Britania and Ireland. New series* Vol 4,No 2, pp: 503-521.